

یادداشت

احزاب نماینده تفکر جامعه

فرهاد جهانیان
فعال سیاسی

نقش اصلی احزاب بنا به تعریفی که از آن وجود دارد، نمایندگی از تفکر مردم است. احزاب باید مسیری برای گفت و گو بین دولت و مردم باشد. احزاب می‌توانند مهم ترین نقش را در رساندن ریشه‌های اعتراضات به مسئولین بازی کنند. احزاب در ایران اگر چه جدی گرفته نشدند اما همواره این کار را انجام داده اند. واقیعت این است که در سالهای گذشته اقتدر احزاب در انزوا قرار داشتند که اکنون نه دولت ها آماده‌گی گفت وگو با احزاب را دارند و نه مردم معترض احزاب را نماینده خود می‌دانند. نباید در گذشته شرایط به گونه‌ای پیش می‌رفت که اکنون چنین وضعیتی برای احزاب به وجود می‌آمد. معترضان در گذشته آن طور که باید از طریق احزاب نتوانستند حرف خود را بزنند. بسیاری از احزاب در مجموعه انتخابات های اخیر پای کار آمدند و در تلاش بودند تا مطالبات مردم را در قالب شعارهای کاندیدا به مرحله ظهور برسانند. البته در شرایط کنونی می‌توان فضای رایج‌باد کرد که این نقش برای احزاب به وجود آید اما به وجود آمدن چنین موقعیتی برای احزاب در شرایط کنونی دشوار است. مسئولان در صورتی می‌توانند وارد گفت وگو با مردم شوند که قبل از هر چیز احزاب را به رسمیت بشناسند. دولت می‌تواند از چنین ظرفیتی استفاده کند تا با بخش‌های مختلف جامعه در ارتباط باشد. حزب به عنوان تفکر و چکیده‌ای از افکار جامعه در صورتی که جایگاهش مورد توجه قرار بگیرد به طور قطع می‌تواند حلقه وصل بین دولت و مردم باشد. در نظام های مبتنی بر مردم و جمهوریت باید فاصله میان دولت و جامعه کم باشد در واقع شرایط باید به گونه‌ای پیش می‌رفت که این نیاز پیش نیاید که کانالی میان دولت و جامعه برقرار باشد. دولت و جامعه باید به قدری به هم نزدیک باشند که حرفشان را به راحتی به یکدیگر برزنند. با این وجود اگر به جایگاه احزاب توجه شود آنگاه می‌توان فضایی بهتری را در کشور متصور بود.

نکته

غلامعلی رجایی:

آقای رئیسی نمی‌شود

فقط هر جا خواستیم خواص را وارد کنیم

سیدابراهیم رئیسی از سکوت برخی خواص در این روزها انتقاد کرده است، حال این سوال مطرح می‌شود که مردودشدگان از نظر رئیس جمهور چه کسانی هستند. در این خصوص یک فال سیاسی درباره مصادیق خواص مردودشده از نگاه رئیس جمهور گفت: هر چند می‌شود حدس زد ولی این کار درستی نیست که بگویم چه کسانی مصادیق صحبت رئیس جمهور بودند. آقای رئیسی باید طوری صحبت کند منظور صحبتش برای مردم روشن باشد. غلامعلی رجایی اظهار کرد: قاعدتا منظور آقای رئیسی کسانی نیستند که هم اکنون بر سر مسئولیت قرار دارند بلکه آنهایی هستند که از حاکمیت دور شدند. در این رابطه باید یادآور شد این افراد با اراده و میل خودشان از حاکمیت دور نشدند چون شرایط انتخابات برای آنها به گونه‌ای بود که آنها نتوانستند نقشی ایفا کنند. این تحلیلگر مسائل سیاسی اظهار کرد: افرادی که در گذشته در رأس قوای مجریه و مقننه بودند، می‌توانند طرف صحبت آقای رئیسی باشند. حرف نزدن این افراد به معنای آن نیست که آنها موافق اغتشاشات و اعتراضات هستند بلکه شاید زمینه تأثیر را نمی‌بینند که حرف می‌زنند. البته دایره این انقادر رئیس جمهور شامل حال اولگورایان و اصلاح‌طلبان نیز می‌شود. وی ادامه داد: باید به آقای رئیسی گفت «مگر شما چقدر از نظر این خواص ظرف یک سال و نیم گذشته برای اداره قوه مجریه استفاده کردید؟». شاهد بودیم دولت سیزدهم ارز ترجیحی را حذف کرد و استمن را جراحی اقتصادی گذاشت. نتیجه این اقدام نیز گرانی اقلام غذایی و کوچک شدن سرفه مردم شد. آیا دولت قبل از اجرای این تصمیم از خواص نظر گرفت؟ یا اگر آنها در این قضیه نظری می‌دادند دولت گوش می‌کرد؟ رجایی گفت: نمی‌شود خواص را گزینشی یعنی هر جا خواستیم وارد میدان کنیم وقتی درباره موضوعی حرف نزدن آنها را محکوم کنیم. معتقدم باید به کسانی که روزی در مستندامور بودند توجه کنیم.

ویژه

امیر در یادار سیاری:

اگر کوتاهی کنیم، دشمنان بذر شبهات را در ذهن جوانان مامی‌کارند

معاون هماهنگ کننده ارتش با اشاره به اهمیت توجه به معارف دفاع مقدس، اظهار داشت: ارزش‌های دوران دفاع مقدس یک جنبه‌عظیم فرهنگی است که تمسک به آن، کشور را در برابر تهدیدات نرم و سخت دنیای استکبار بیمه می‌کند. امیر دریادار «حییمبا... سیاری» با بیان اینکه امروز «جهاد تبیین» روشن‌کننده بسیاری از مسائل برای جامعه مخاطب است، افزود: باید وقایع دوران دفاع مقدس به شکلی قابل فهم و با بهره‌گیری از ابزار هنر و متناسب با درک نسل جوان به جامعه مخاطب منتقل شود و اگر در این زمینه کوتاهی کنیم، دشمنان به جای ما روایتگری خواهند کرد و بذر شبهات را در ذهن جوانان ما خواهند کاشت. معاون هماهنگ‌کننده ارتش با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های «جهاد تبیین» امروز تمسک به ارزش‌های دفاع مقدس و بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون است، افزود: ارتش جمهوری اسلامی جهاد تبیین را در دستور کار خود قرار داده و ما اعتقاد داریم که در این عرصه باید از ظرفیت رسانه‌ای، فضای مجازی، فیلم، کتاب، سریال، شبکه‌های اجتماعی و... استفاده کرد. امیر سیاری با اشاره به استفاده دشمنان از تهدیدات ترکیبی گفت: امروز استکبار جهانی با تنوعی از تهدیدات به میدان آمده و «تهاجم ترکیبی» را علیه ملت ایران به راه انداخته است که باید طبق فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی در بُعد نظامی با «تفکر شب‌حمله‌ای» و ارتقای توان رزمی با تهدید نظامی مقابله کرد و در حوزه اقتصادی نیز همان‌طور که معظلم به عنوان کردند با بهره‌گیری از گزاره‌های اقتصاد مقاومتی باید به مقابله با جنگ اقتصادی دشمن برویم.

فرشاد مومنی در گفت‌و‌گو با «آرمان ملی»:

بی‌اعتنایی

به نظام‌دانایی کشور

متوقف شود

اگر حکومتگران چاره‌ای نیندیشند، شکنندگی‌ها شدیدتر خواهد شد

مردم از تأکید روی مطالبات اقتصادی و معیشتی سرخورده شده‌اند

ریشه اصلی اعتراضات در سیاست‌گذاری نادرست است

نظام تصمیم‌گیری اقتصادی با شکست مواجه شده است



آرمان ملی – احسان انصاری: «زندگی به عنوان معیشت در این جریانات اخیر مطرح بوده، اما این معیشت به معنای تغذیه برای زنده ماندن نیست. مساله‌ای که برای من خیلی قابل اعتنا است، این است که برخی بر آوردهای کارشناسی سطح بالا این را نشانه تشدید سرخوردگی‌ها از تمرکز روی شعارها و مطالبات معیشتی به ویژه در تجربه سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به شمار می‌آورند لذا بحران اعتماد از این ناحیه شدت گرفته است. از این دریچه گفته می‌شود وقتی خواسته‌ها و مطالبات رادیکال می‌شوند، مطالبه شعارهای دم‌دستی به‌خاطر بی‌اعتمادی بابی‌اعتنایی می‌شود. بی‌اعتمادی به نظام دانایی کشور متوقف شود. کافی است به اسناد رسمی انتشار یافته توسط همین دولت که برای سال ۱۴۰۱ مطرح کرده بودند، بپردازد. گفته بودند که در سال ۱۴۰۱ یک میلیون مسکن برای مردم تدارک می‌بینند اما ببینید در همین سال چه شرایطی از لحاظ تملک و اجاره نشینی مسکن پدیدار شده است. کمیته دستمزد شوراهای اسلامی کار گزارشی منتشر کرده که می‌گوید با این سیاست‌های اتخاذ شده در حیطه مسکن، امید صاحب مسکن شدن بسیار کاهش یافته است. حال وزارت مسکن تحقق این وعده را به این منوط کرده است که دستگاه‌های اجرایی زمین‌های مازاد خود را در اختیار وزارت مسکن بگذارند. البته گفته می‌شود که چنین انتظاری قابل پاسخ دادن نیست چون اصلا زمینی وجود ندارد اما مهم این است که عملا هیچ‌ردی از تحقق آن وعده مشاهده نمی‌شود. الان حرف‌هایی زده می‌شود که در بهترین حالت ممکن است امسال ۱۰۰ هزار واحد مسکن جدید اضافه شود که این یعنی عدم تحقق در یکی از وعده‌ها رخ داده است. اتاق بازرگانی می‌گوید با این شیوه که در برخورد با دسترسی به اینترنت ایجاد شده است، بین ۵۰ تا ۷۰۰ هزار شغل موجود را از بین برید. شما چگونه می‌خواهید وقتی وعده یک میلیون شغل می‌دهید، مردم به اعتماد کنند؟ برآوردهای کارشناسی وجود دارد که اگر یک میلیون شغل ایجاد شود، ما باید یک برنامه‌ای داشتیم که از دل آن رشد اقتصادی با کیفیت ۱۰ تا ۱۵ درصدی حاصل شود و متغیرهای کنترلی این مساله منحصرا به رشد اقتصادی نیست. باید متناسب با این انتظار انگیزه‌های سرمایه‌گذاری ایجاد کرده باشید. ما در چهارمین سالی هستیم که کل سرمایه‌گذاری صورت گرفته قادر به جبران استهلاکات هم نیست در نتیجه این حرف‌ها آبی برای مردم تهیه نمی‌کند. این شیوه برخورد به سمت سرخوردگی و رادیکالیزه شدن مطالبات پیش می‌برد. من صمیمانه و مشفقانه عرض می‌کنم که این به نفع هیچ‌کس در ایران نیست. اهل خرد و دانایی همه باید مشارکت کنند حتی اگر با تحقیر و تلخ‌کامی مواجه شوند. خاضعانه از اهل خرد می‌خواهم که به کمک دولت و حکومت بیایند تا از این شرایط عبور کنیم.

آرمان ملی – احسان انصاری: «زندگی به عنوان معیشت در این جریانات اخیر مطرح بوده، اما این معیشت به معنای تغذیه برای زنده ماندن نیست. مساله‌ای که برای من خیلی قابل اعتنا است، این است که برخی بر آوردهای کارشناسی سطح بالا این را نشانه تشدید سرخوردگی‌ها از تمرکز روی شعارها و مطالبات معیشتی به ویژه در تجربه سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به شمار می‌آورند لذا بحران اعتماد از این ناحیه شدت گرفته است. از این دریچه گفته می‌شود وقتی خواسته‌ها و مطالبات رادیکال می‌شوند، مطالبه شعارهای دم‌دستی به‌خاطر بی‌اعتمادی بابی‌اعتنایی می‌شود. بی‌اعتمادی به نظام دانایی کشور متوقف شود. کافی است به اسناد رسمی انتشار یافته توسط همین دولت که برای سال ۱۴۰۱ مطرح کرده بودند، بپردازد. گفته بودند که در سال ۱۴۰۱ یک میلیون مسکن برای مردم تدارک می‌بینند اما ببینید در همین سال چه شرایطی از لحاظ تملک و اجاره نشینی مسکن پدیدار شده است. کمیته دستمزد شوراهای اسلامی کار گزارشی منتشر کرده که می‌گوید با این سیاست‌های اتخاذ شده در حیطه مسکن، امید صاحب مسکن شدن بسیار کاهش یافته است. حال وزارت مسکن تحقق این وعده را به این منوط کرده است که دستگاه‌های اجرایی زمین‌های مازاد خود را در اختیار وزارت مسکن بگذارند. البته گفته می‌شود که چنین انتظاری قابل پاسخ دادن نیست چون اصلا زمینی وجود ندارد اما مهم این است که عملا هیچ‌ردی از تحقق آن وعده مشاهده نمی‌شود. الان حرف‌هایی زده می‌شود که در بهترین حالت ممکن است امسال ۱۰۰ هزار واحد مسکن جدید اضافه شود که این یعنی عدم تحقق در یکی از وعده‌ها رخ داده است. اتاق بازرگانی می‌گوید با این شیوه که در برخورد با دسترسی به اینترنت ایجاد شده است، بین ۵۰ تا ۷۰۰ هزار شغل موجود را از بین برید. شما چگونه می‌خواهید وقتی وعده یک میلیون شغل می‌دهید، مردم به اعتماد کنند؟ برآوردهای کارشناسی وجود دارد که اگر یک میلیون شغل ایجاد شود، ما باید یک برنامه‌ای داشتیم که از دل آن رشد اقتصادی با کیفیت ۱۰ تا ۱۵ درصدی حاصل شود و متغیرهای کنترلی این مساله منحصرا به رشد اقتصادی نیست. باید متناسب با این انتظار انگیزه‌های سرمایه‌گذاری ایجاد کرده باشید. ما در چهارمین سالی هستیم که کل سرمایه‌گذاری صورت گرفته قادر به جبران استهلاکات هم نیست در نتیجه این حرف‌ها آبی برای مردم تهیه نمی‌کند. این شیوه برخورد به سمت سرخوردگی و رادیکالیزه شدن مطالبات پیش می‌برد. من صمیمانه و مشفقانه عرض می‌کنم که این به نفع هیچ‌کس در ایران نیست. اهل خرد و دانایی همه باید مشارکت کنند حتی اگر با تحقیر و تلخ‌کامی مواجه شوند. خاضعانه از اهل خرد می‌خواهم که به کمک دولت و حکومت بیایند تا از این شرایط عبور کنیم.

به یک واحد تولید ناخالص داخلی ۵ برابر افزایش یافته بود. در دولت رئیسی نیز سه قوه در اختیار یک جریان سیاسی قرار دارد؟ آیا در چنین شرایطی احتمال تکرار دوران احمدی نژاد وجود دارد؟

نحوه حضور مردم در دو انتخابات آخر به وضوح نشان می‌دهد که وضعیت مشارکت سیاسی چگونه بوده است. طی بالغ بر سه دهه گذشته در سرشماری‌های صورت گرفته گفته شده نزدیک به دو سوم جمعیت فعال در تولید ملی نقشی نداشته‌اند. این بحران برحسب آخرین گزارش اتاق بازرگانی حکایت از این دارد که آمیزه ضعف در اعتماد مردم به دولت و سقوط بنیه تولید، باعث شده نزدیک به ۶۱ درصد ظرفیت‌های صنعتی نصب شده بلااستفاده بماند. بنابر گزارش‌های سازمان ملل از مجموع ۴۳ نااطمینانی شناخته شده حوزه محیط زیست در دنیا، ۳۴ گونه آن در ایران فعال است. آلوده‌کننده‌ترین رشته فعالیت‌ها به عنوان پیشران جازده شده‌اند و تکان دهنده‌تر این است که این صنایع را در خشک‌ترین مناطق کشور راه‌اندازی کرده‌اند. برای اینکه بفهمیم به رغم شعارها در مساله وابستگی به دنیای خارج

ریشه‌های اعتراضات اخیر را چه میزان اقتصادی می‌دانید؟ آیا مطالبات اقتصادی و معیشتی به‌همراه تورم افسارگسیخته زمینه‌ساز اعتراضات اخیر در کشور نبوده است؟

پدیده اخیر خلق الساعه رخ نداده و باید به آن مانند یک حلقه از یک زنجیره نگاه کرد. شروع این زنجیره را باید از اعتراضات به نسبت گسترده دهه ۱۳۷۰ در نظر بگیریم که مرداد ۱۳۷۰ در نجف آباد و زنجان آغاز شد سپس به صورت زنجیره‌ای در فروردین ۱۳۷۱ در شیراز، در خرداد ۱۳۷۱ در مشهد، در اردیبهشت ۱۳۷۱ در اراک، مرداد ۱۳۷۳ در قزوین و در فروردین ۱۳۷۴ در اسلامشهر رخ داد. هر قدر به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم مشاهده می‌شود که فاصله بین این اتفاقات کوتاه‌تر شده است. عامل اصلی این نابسامانی‌ها و ناآرامی‌ها را باید در شیوه نادرست سیاست‌گذاری بدانیم. ایران از نظر تصمیم‌گیری و تخصیص منابع با پدیده شکست سیاست‌گذاری روبه‌رو است، به این معنی که در سه دهه گذشته از یک ضعف در اندیشه برخوردار بوده است. در این سه دهه تقریباً برخی سیاست‌های کلیدی اتخاذ شده با شکست روبه‌رو شده است یعنی سیاست‌های مربوط به آزادسازی تجاری، کوچک‌سازی دولت، حذف سوبسیدها و... با شکست مواجه شده است. متغیرهایی وجود دارد که کانون‌های اصلی آسیب‌پذیری را قابل درک می‌کند. رابطه مردم با حکومت، وضعیت بنیه تولید ملی، وضعیت فقر و نابرابری، وضعیت مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی - سیاسی - اجتماعی خود، پایداری محیط زیستی، وضعیت وابستگی به دنیای خارج و وضعیت فساد در جامعه متغیرهای مورد اشاره هستند. متأسفانه برخی تصمیم‌گیران ما به جای پذیرش واقعیت‌ها، رویه نفی و انکار را در اولویت قرار می‌دهند.

از منظر اقتصاد، چه اتفاقی رخ داده به اسناد پشتیبان برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز مراجعه کنیم تا بفهمیم دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد با اختصاص سالانه ۰.۱۶ میلیارد دلار قابل تحقق است. از نقطه عطف تدوین برنامه ششم تا امروز، برآوردهای سازمان برنامه می‌گوید که آن ۰.۱۶ میلیارد دلار به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است. ما به اندازه فاصله این دو رقم، دچار یک وابستگی پرمخاطره در عرصه تولید ملی شدیم. راه نجات ایران از مسیر یک برنامه ملی مبارزه با فساد بر محور پیشگیری می‌گذرد. هیچ عنصری به اندازه شوک‌های وارد شده به قیمت‌های کلیدی، قدرت تحمیل نابرابری‌های گسترده، فساد عمیق و وابستگی‌ها را توضیح نمی‌دهد.

با این وجود مطالبات اقتصادی در اعتراضات اخیر در اولویت نخست معترضان قرار نداشت. چرا چنین بود؟

زندگی به عنوان معیشت در این جریانات اخیر مطرح بوده، اما این معیشت به معنای تغذیه برای زنده ماندن نیست. مساله‌ای که برای من خیلی قابل اعتنا است، این است که برخی برآوردهای کارشناسی سطح بالا این را نشانه تشدید

حسین کنعانی مقدم مطرح کرد:

مدیران کشور در بحران ماندن را امتیاز ندانند

می‌دهد، حاکی از همین مسأله است. حسین کنعانی مقدم بیان کرد: ایشان اول این افراد را تغییر بدهند، سپس افراد کارآمد را سرکار بیاورند و قطعا افراد کارآمد زیرمجموعه خودش را کارآمد می‌کند. به نظر می‌رسد اولین کسی که باید پاسخگو باشد، خود رئیس جمهور است که باید در رابطه با وزرای خود پاسخ بدهد. وقتی شرایط دارو به این صورت می‌شود و نشان‌دهنده ناکارآمدی است، ما هنوز در مسائل اقتصادی کشور و همچنین حوزه وزارت اقتصاد با مشکل مواجه هستیم. در زمینه‌های مختلف هم به

فرارو

تلویزیون با نام طنز مخاطب را

نادیده و خشمگین می‌کند

شوخی یا تمسخر؟

«همه ما، چه شما به عنوان هنرمند، چه ما به عنوان مسئولین صداوسیما، باید از خودمان بیرسیم چرا احساس علاقه‌ای که مخاطب به هنرمندان و آثارشان داشت، کاهش یافته است؟ چرا بعضی آثار که در گذشته با هزینه‌های کم‌تر ساخته می‌شد، ماندگارترند؟ همه ما مقصریم و نمی‌توانیم خودمان را تبرئه کنیم.» این چند خط بخشی از صحبت‌های پیمان جبلی در چهارم اردیبهشت امسال است که در نشست خبری با جمعی از هنرمندان مطرح کرد، احتمالاً بارها این پرسش را شنیده‌اید که چرا مخاطبان تلویزیون کاهش پیدا کرده است؟ یا حتی از زبان آدم‌هایی که به نحوی با تلویزیون ارتباط دارند این گزاره را شنیده‌اید که مخاطب تلویزیون در حال کاهش است اما چرا این اتفاق رخ داده؟ کمی به قبل‌تر بازگردیم، کم‌شدن مخاطب در شرایطی که تلویزیون برای برنامه‌سازان خود فراهم کرده، اتفاق چندان دور از ذهنی نیست. صداوسیما دست به ساخت برنامه‌هایی زد که کشورهای دیگر مشابه آن‌ها را سالیان قبل ساخته بودند. برنامه‌هایی مانند «عجوبه‌ها»، «عصر جدید» و «دورهمی» که نمونه مشابه آن در کشورهای دیگر ساخته شده بود. این برنامه‌ها وقتی به

ایران آمدند و ایرانیزه شدند هم در رسته برنامه‌های پر مخاطب قرار گرفتند اما به مرور زمان هر یک از این برنامه‌ها به شیوه‌ای از آنتن حذف شدند؛ برنامه‌های پر مخاطب دیگری مانند «خندوانه»، «کتاب‌باز» و... هم از آن دسته برنامه‌های پر مخاطبی بودند که در ماه‌های اخیر سرنوشتشان حذف شدن بود. این آن چیزی است که دست‌کم در دو سال اخیر بر تلویزیون گذشته، حال‌نگاهی بیندازیم بر وضعیت فعلی برنامه‌سازی در تلویزیون.

خوانش یکسان از ماجرا

در این شرایط هم کماکان این موضوع طرح می‌شود که چرا مخاطبان تلویزیون روز به روز در حال کاهش است. یک دلیل ساده برای پاسخ دادن به این پرسش وجود دارد آن‌هم این است که تلویزیون تریبون را به دست موافقان خود داده و شیوه تفکاید گروه مخالف را بر نمی‌تابد وقتی این وضعیت ادامه پیدا کند، به صورت تدریجی، تلویزیون مخاطبانش را از دست می‌دهد، چون قرار نیست که همه افراد نظرات مشابهی داشته باشند و این است که نماینده همه اقشار و تفکرها نظرات خود را به زبان بیاورند. نکته اصلی که در این میان مطرح می‌شود، این است که تلویزیون فضایی به دیگر دیدگاه‌ها نمی‌دهد و با ساخت برنامه که در راستای دیدگاه خود است، سعی دارد تا تنها یک روایت را به مخاطب خود القا کند و این شرایطی است که در رسانه‌های دیگر و فضای مجازی، یک ماجرا، از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی و بیشتر شدن هوش رسانه‌ای مخاطبان، هر بیننده‌ای با هر دیدگاهی دوست دارد و حتی نیاز دارد که عقاید مخالفین خود را بشنود و آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد ولی وقتی گروه‌های مختلف نماینده خود را در رسانه‌ای که نامش ملی است نمی‌بینند، به سمت رسانه‌های دیگر می‌روند.

القا یا اقناع

یکی از کارکردهای رسانه، اقناع‌سازی مخاطب است. اقناع یعنی پیام به گونه‌ای ارسال شود که گیرنده پیام با رغبت، میل و رضایت کامل، پیام را بپذیرد. تلقین نوعی متقاعدسازی نا‌هوشیارانه و ناآگاهانه است، از شیوه‌های رایج اقناع به حساب می‌آید. تلقین نوعی فرآیند ارتباطی است که موجب پذیرش مساله مورد نظر اقناع‌گر می‌شود؛ اما این پذیرش مبتنی بر دلایل منطقی نبوده و به‌صورت، غیرحساب‌گرانه ناآگاهانه محقق می‌شود. برخی شگردهای تلقین عبارتند از: طرح سؤال، تکرار، بزرگ‌نمایی و مبالغه یا کوچک‌نمایی، ایجاد ترس و... . حالا نکته اساسی که در این میان وجود دارد این است که تکرار یک پیام می‌تواند منجر به شرطی شدن آن شود و سبب پاسخ مخاطب شود و این دقیقاً روشی است که برنامه‌های تلویزیونی در پیش گرفتند و تلاش دارند با استفاده از روش تکرار صحبت‌های خود را به مخاطبان اثبات کنند، اما واقعیت ماجرا این است که تکرار سبب نمی‌شود تا یک ماجرا قطعا درست باشد. یکی دیگر از شیوه‌هایی که تلویزیون این روزها در پیش گرفته، ساخت برنامه‌های طنز برای اقناع‌سازی مخاطبان است. راهی که موجب می‌شود تا پیام آنها با احساس خوب و مفرح در ذهن مخاطب باقی بماند. یکی از این برنامه‌هایی که تلویزیون به زعم خود در حوزه طنز ساخته تا مخاطب را اقناع کند، برنامه‌ای است که از یک برنامه طنز ماهواره‌ای است که رسانه‌های فرانسوی زبان بیگانه آن ساخته بودند تا بتوانند با استفاده از حرف خود را به مخاطب القا کنند.